

متن پرسش

سلام: این چهار معنا را با مثال برای فهم قرآنی هر آیه توضیح می‌فرمایید در حقیقت توضیح علامه را متوجه نشدم فیض کاشانی روایتی را از امیرالمؤمنین نقل کرده که جالب توجه است. حضرت می‌فرمایند: «مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا أَرْبَعَةٌ مَعَانٍ: ظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ وَحَدٌّ وَمَطْعٌ؛ فَالظَّاهِرُ التَّلَاوَةُ وَالبَّاطِنُ الفَهْمُ وَالحَدُّ هُوَ أَحْكَامُ الحَلَالِ وَالحَرَامِ وَالمَطْعُ هُوَ مُرَادُ اللّهِ مِنَ العَبْدِ بِهَا» هیچ آیه ای از قرآن، نیست مگر آنکه چهار معنا دارد یکی، ظاهر دوم، باطن سوم حد، چهارم مطع. علامه طباطبایی در شرح این حدیث می‌نویسد: «ظهر» قرآن عبارت است از همان معنای ظاهری که در ابتدا به نظر می‌رسد و بطن قرآن آن معنایی است که در زیر پوشش معنای ظاهری نهان است حال چه اینکه یک معنا باشد یا معانی متعدد باشد چه اینکه به معنای ظاهری نزدیک باشد و چه اینکه دور باشد و یا اینکه بین آن ظاهر و این معنای دور معانی دیگری واسطه باشد اما حد قرآن عبارت است از خود معنا به معنای ظاهری و باطنی و مطع قرآن عبارت است از معنایی که حد از آن طلوع می‌کند و آن باطن متصل به حد است.»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نظر در این مورد کار آسانی نیست و احتمالاً باید به شرایط تاریخی مخاطبان نظر کرد. با این همه می‌توان گفت احتمالاً روایت مذکور از دو زاویه به قرآن نظر انداخته. یکی زاویه دوگانه ظاهر و باطن که همان نظر به معنای اولیه آیه باشد و دیگر معنایی که با تدبیر به دست می‌آید. و در زاویه دیگر که بحث حد و مطع را به میان می‌آورد، گویا منظور از حد آیه همان معنای مشخصی است که بالتباعد به ذهن می‌آید و مطع، معنایی است که پیرو معنای اولیه طلوع می‌کند و افقی را در مقابل انسان می‌گشاید. موفق باشید